

## ادامه بیان منع

محقق رشتی بعد از این که عدم صحت توکیل در قضا را به کل یا جلّ اصحاب نسبت میدهد و خود او هم عدم جواز را می‌پذیرد، می‌فرماید (با تلخیص و تغییر در ساختار):

افعال دارای اثر شرعی، سه قسم است:

1. ما یکون ذلک الاثر لازم ذات الفعل؛ مثل تطهیر لباس؛
2. باید از شخص صادر شود. اعم از مباشرت یا تسبیب؛ مثل ثواب مترتب بر بنای مسجد.
3. مباشرت شرط است.

واضح است که وکالت در قسم اول و دوم متصور است.

ایشان برای قسم دوم، دو فرض را مطرح می‌کند؛ بدین قرار:

1. ما لایتوقف حصول الاثر فيه على الاستنابة و التوكيل بل يحصل بمجرد التسبیب مثل بنای مسجد؛
2. ما يحتاج الى الاستنابة و التوكيل؛ مثل عقود و ایقاعات.

وی برای فرض شک می‌فرماید: «كان ذلك شكاً في صدق الوكالة لا في صحتها».

و در ادامه می‌فرماید:

«ان ما ورد في باب الوكالة من الادلة لايتكفل شئ منها لبيان هذا المهم اعني قبول كل فعل من الافعال الشرعية للنيابة الا ما خرج بالدليل؛ لان ما ورد فيها كلها مسوق لبيان احكام الوكالة و شرائطها و لا ريب أن الدليل المسوق لبيان أحكام الشئ كلا أو بعضاً لايدل على تعيين مجاری ذلك الشئ و مصاديقه، كما أن الدليل على جواز الوكالة عموماً أو خصوصاً لايدل على حکمها و شرائطها، فهنا مقامان: أحدهما اثبات قبول المشكوك للوكالة و الثاني بيان حکم الوكالة من حيث كفاية الفعل و عدم اعتبار اللفظ و نحوها من الاحكام. و الدليل المتكفل لبيان المقام الاول لايجدى في المقام الثاني، كما أن الدليل الوارد في المقام الثاني غير مجد في المقام الاول. و من هنا يظهر سقوط الاستدلال بعمومات العقد، كقوله تعالى «أوفوا بالعقود» عند الشك في القابلية، لان الشك فيها شك في صدق الاسم، كما اذا شك في أن الشئ الفلانی من المملوكات القابلة للنقل أم لا، او أنه من الحقوق القابلة للصلح و التجاوز أم من الاحكام، فمن تمسك ببعض ما ورد في باب الصلح على جوازه في كل شئ مشکوك في قابليته باعتبار الشك في كونه من الاحكام أم من الحقوق أو بعموم «أوفوا بالعقود» لاثبات صحة الصلح حينئذ أو لصحة الوكالة فيما شك في قبوله النيابة، فقد سهى سهواً بيناً».

وی سپس از این که علما موارد قبول و عدم قبول وکالت را، فرداً فرداً بررسی می‌کنند، شاهد ایده خود می‌گیرد و به عنوان نتیجه می‌فرماید:

«فظهر ان الشک فی قابلية الشئ للوكالة لا رافع له الا بملاحظة ادلة ذلك الشئ. فان دلّت علی اعتبار المباشرة فيه فهو و کذا لو دلّت علی عدم اعتبارها. و ان کانت مجملة فالمرجع فی کل باب الی الاصل المقرّر فی ذلك الباب»<sup>1</sup>.

### نکات موجود در بیان محقق رشتی

کلام ایشان نیازمند توضیح افزون نیست و نکات قابل تامل و بررسی آن عبارت است از:

- 1.** شک در قبول و عدم قبول وکالت نسبت به موردی را به شک در صدق وکالت برمی‌گرداند.
- 2.** هیچ یک از ادله وکالت را مبین بیان موارد نمی‌داند؛ به تعبیر دیگر: در جمع ادله وکالت، دلیلی که مبین بر اصل وکالت‌پذیری امور الا ما خرج باشد، سراغ ندارد.
- 3.** در مواردی از شکوک مثل شک در قابلیت یک کالا برای انعقاد عقد بر آن نمی‌توان به عمومات تنفیذ معاملات مثل «اوفوا بالعقود» تمسک کرد. از این قبیل است تمسک به عمومات در وقتی که متعلق نقل بین بودنش از احکام یا حقوق مشکوک باشد؛ یا تمسک به «اوفوا بالعقود» برای موارد مشکوک در وکالت.
- 4.** برای تصحیح یا رد وکالت نباید به سراغ دلیل وکالت رفت، بلکه باید در ادله آن چه می‌خواهد متعلق وکالت واقع شود، تامل کرد که لسان اعتبار مباشرت دارد یا دلالت بر اعم می‌کند یا مجمل است.

### نظارت کلام محقق رشتی بر کلام صاحب جواهر

قبلاً<sup>2</sup> بخشی از بیانات صاحب جواهر را در اثبات اصل مشروعیت وکالت الا ما خرج بیان کردیم. فقیه نجفی نه تنها اصل اثبات مشروعیت وکالت را با ادله عام، کافی برای اثبات این اصل میدانند، بلکه از نصوص باب وکالت هم در این باره هدایت می‌گیرد.

### داوری بین کلام فقیه نجفی و محقق رشتی

برخی از فقیهان معاصر - هر چند نه به طور رسمی و اعلام شده - به داوری بین سخنان فقیه نجفی و محقق رشتی پرداخته‌اند و در نهایت (البته با فراز و فرود) جانب فقیه نجفی را گرفته‌اند. بیان ایشان (با تلخیص و گاه ترجمه) این است:

1. کتاب القضاء، ج1، صص 52 - 55 .

2. ص 324.